

این نوشتار، اولین از سلسله نوشتارهایی است که برای کمک به شکل دهی استراتژی های مناسب از طرف جنبش دموکراسی خواهانه مردم، توسط جمعی از متخصصین دانشگاهی تدوین میگردد. هدف بر آنست که از طریق فراهم آوردن تحلیل روش مند بر اساس منابع، تحقیقات تئوری و میدانی و همچنین مدل سازی های اجتماعی، ریاضی و محاسباتی، مردم و جنبش دموکراسی خواهی ایران به ابزار فکری روزآمد برای انتخاب تاکتیک و استراتژی صحیح در مسیر آزادی مجهز گردند.

گروه سبیده صبح

iranazad@tatunota.com

@sepideie_sobh

نام مولف محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

کنش آزادی خواهانه، خیابان و خشونت

نوشتار اول. این مقاله بدور از پیچیدگی های طولانی فلسفی، با دیدگاهی کارکردی به مدل سازی مفهومی و ریاضی نقش قدرت و خشونت در کنش آزادی خواهانه مردم ایران در برابر حکومت تمامیت خواه می پردازد، و تصویری واضح از چرایی و چگونگی احتراز یا کاربرد خشونت بدست میدهد.

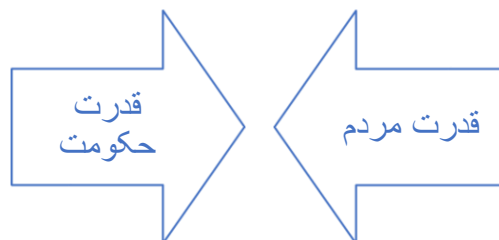
آلویس تافلر آینده نگر مشهور آمریکایی در کتاب جابجایی در قدرت مینویسد قدرت از سه سرچشمه است، توانایی اعمال خشونت، ثروت و دانش. اما قدرت ناشی از ثروت و دانش نیز به توانایی آنها در خرید خشونت یا امکان هدایت موثر آن باز میگردد. برای مثال طرفداران و نیروهای نظامی بواسطه امتیازات و پول (ثروت) اعطا شده، نسبت به اعمال خشونت در راستای اهداف حکومت میکنند. همچنین بخشهای اطلاعاتی، آی تی حکومت با فراهم ساختن اطلاعات راجع به مخالفین، خشونت حکومت را جهت میدهند. البته مفاهیم مطرح شده توسط آلویس تافلر دامنه بسیار وسیعتری را در بر میگیرد اما تفسیر فوق برای منظور این نوشتار کافی به نظر میرسد.

در زمانهای بحران حکومت توتالیتر (تمامیت خواه، دیکتاتوری) به اعمال قدرت در ساده ترین شکل آن یعنی شکل خشونت عریان متمایل می شود، که خود را به شکل سرکوب شدید جامعه مدنی، زندانی کردن، کشتن و ناپدید سازی مخالفین نشان میدهد. همچنین بدلیل آنکه حکومت توتالیتر در طول زمان بصورت سیستماتیک اقدام به بی اثر کردن و از بین بردن استقلال مجلس قانون گذاری و قوه قضائیه می نماید، ظرفیتهای جامعه برای اعمال قدرت از طریق روشهای مدنی و قانونی مسدود میشود. از اینرو جامعه نیز به سمت اعمال قدرت در شکل خام و ساده آن یعنی ابراز مخالفت در خیابانها و احیاناً خشونت سوق داده میشود.

بنا به تعریف، یک حکومت توتالیتر قدرت (خشونت) خود را در جهت حفظ منافع و ایدئولوژی گروهی محدود و علیه اراده و قدرت بخش عمده ای از جامعه بکار میگیرد. از این تعریف اولیه نکته های مشخصی قابل استخراج است که میتواند پایه مدل سازی مفهومی و ریاضی تعامل قدرت در جامعه باشد.

- اول آنکه بردار قدرت حکومت علیه بردار قدرت جامعه عمل میکند.
- دوم آنکه پایه قدرت حکومت در جمعیتی محدود و کوچک است.
-

بردار قدرت جامعه و حکومت توتالیتر خلاف جهت یکدیگر است



از آنجا که قدرت حکومت توتالیتر علیه بردار قدرت جامعه است، تعامل قدرت با جامعه در حکومت توتالیتر پیچیدگی کمتری نسبت به جوامع دموکراتیک دارد. در اینجا این تعامل را بصورت یک تفریق ساده قدرت جامعه منهای قدرت حکومت تعریف میکنیم.

در این معادله هرگاه قدرت جامعه (Society power) از قدرت حکومت بیشتر شود، (حاصل تفریق مثبت) حکومت فرو ریخته و جامعه پیروز میشود و هرگاه قدرت حکومت توتالیتر (Totalitarian power) بیش از قدرت جامعه باشد (حاصل تفریق منفی) حکومت تداوم میابد.

$$\text{قدرت توتالیتر} - \text{قدرت جامعه} = \text{تفاضل قدرت}$$

$$Power\ difference = Society\ Power - Totalitarian\ Power \quad (1)$$

با توجه به اینکه در شرایط کنونی تعامل حکومت توتالیتر و جامعه ایران منجر به اعمال قدرت خام بصورت خشونت شده است، در ادامه این نوشتار مفهوم اعمال قدرت و اعمال خشونت را بصورت یکسان بکار میگیریم مگر آنکه بصورت مشخص تفکیک نماییم. با جایگزینی خشونت به عنوان فرم نهایی اعمال قدرت در فرمول یک خواهیم داشت:

$$\text{خشونت توتالیتر} - \text{خشونت جامعه} = \text{تفاضل خشونت}$$

$$Violence\ difference = Society\ Violence - Totalitarian\ Violence \quad (2)$$

اما قدرت خشونت زمانی کاربرد میابد که قابل اعمال بر جمعیت هدف باشد و از اینرو علاوه آنچه تعیین کننده است نه مقدار مطلق بلکه ظرفیت موثر اعمال خشونت میباشد. در اینجا با ساده سازی ما ظرفیت اعمال خشونت را به سه جزء تقسیم میکنیم

۱. حجم اعمال خشونت (Volume)
۲. شدت خشونت (Intensity)
۳. مجرای خشونت (Delivery)

با در نظر گرفتن یک رابطه خطی (Linear) ساده بین این اجزاء خواهیم داشت:

$$\text{انتقال خشونت به هدف} * \text{شدت خشونت} * \text{حجم خشونت} = \text{ظرفیت خشونت}$$

$$Violence\ capacity = Intensity * Volume * Delivery \quad (3)$$

به منظور اختصار بجای Totalitarian Violence از نشانه tv و بجای Society Violence از sv و بجای تفاضل آنها از dv استفاده خواهیم کرد. با ترکیب (۳) در فرمول (۲) و خلاصه سازی خواهیم داشت.

$$\text{شدت} * \text{حجم} * \text{انتقال خشونت حکومت} - \text{شدت} * \text{حجم} * \text{انتقال خشونت جامعه} = \text{تفاضل خشونت}$$

$$\Delta\ Violence = Intensity_{sv} * Volume_{sv} * Delivery_{sv} - Intensity_{tv} * Volume_{tv} * Delivery_{tv} \quad (4)$$

یعنی تفاوت قدرت جامعه و حکومت برابر خواهد بود با حاصلضرب شدت، حجم، امکان انتقال خشونت جامعه منهای حاصلضرب شدت، حجم، امکان انتقال خشونت حکومت.

معادله فوق اگر چه بسیار ساده سازی شده است، در هدایت استراتژی مبارزه دموکراسی خواهانه مردم کارکردی قدرتمند خواهد داشت. هر گاه در این معادله ظرفیت اعمال قدرت (خشونت) جامعه از حکومت توتالیتر پیشی بگیرد، حاصل معادله مثبت شده و جامعه پیروز میشود.

در اینجا با استفاده از این فرمول به تدوین استراتژی مبارزه آزادی خواهانه مردم در خیابان می پردازیم. بصورت کلی استراتژی پیروزی مردم در خیابان بایستی معطوف شود به افزایش توان اعمال قدرت جامعه و به موازات آن کاهش توان اعمال خشونت حکومت بر مردم. توان اعمال خشونت حکومت وقتی کاهش میابد که حاصلضرب حجم، شدت و توان انتقال خشونت حکومت کاهش یابد.

حکومت توتالیتر بدلیل در اختیار داشتن قوای نظامی و در کنترل گرفتن قوه مقننه و قضائیه معمولاً از ابزارهای وسیعی برای افزایش شدت خشونت برخوردار است. شدت خشونت حکومت دامنه وسیعی از تدوین قوانین علیه بخشهایی از جامعه (مثلاً زنان یا اقلیتهای مذهبی) تا محدودیت، به زندان انداختن و خشونت علیه کنشگران مدنی و نهایتاً ضرب و شتم، کشتن، ناپدید سازی قهری و حکومت نظامی را در بر میگیرد. برخوردهایی که در طول عمر جمهوری اسلامی شاهد افزایش و تشدید بکارگیری آن بوده ایم.

با توجه به اینکه شدت اعمال خشونت حکومت نامحدود است، به منظور کاهش ظرفیت خشونت حکومت علیه مردم، هدف استراتژی و تاکتیک باید بر کاهش حجم خشونت حکومت از طریق کاهش تعداد اعمال کنندگان (حامیان) خشونت حکومتی باشد. حامیان حکومت شامل دو گروه میباشند، گروه طرفدار (Sympathetic) و هسته سخت. این دو گروه در برابر جامعه الگوی رفتاری متفاوتی را در پیش می گیرند و از اینرو تفکیک قابل شدن بین این دو گروه اهمیت حیاتی در سیر و سرعت پیروزی و تلاش آزادی خواهانه جامعه دارد. هدف استراتژیک مبارزات جامعه در عرصه های عمومی (نظیر خیابان) بایستی معطوف به دو موضوع زیر باشد

۱- کاهش حجم طرفداران سنتی حکومت (Sympathetic)

۲- از میان بردن توان هسته سخت

به منظور کاهش دادن زمان و هزینه مالی و جانی ای که جامعه برای کسب آزادی پرداخت میکند، درک شفاف این موضوع از طرف نخبگان و عموم جامعه و توافق جمعی بر اجرای آن، اهمیت بسیار خواهد داشت از اینرو به بیان تفصیلی تر آن میپردازیم.

از آنجا که حکومتهای توتالیتر نظیر جمهوری اسلامی حافظ منافع گروه کوچکی از جامعه میباشند و در طول زمان بدلیل فساد، بی عدالتی و تناقض حرف و عمل دچار ریزش طرفداران و وفاداران خود میشوند. از اینرو تعداد طرفداران و در نتیجه توانایی حکومت توتالیتر در تامین حجم خشونت بر جامعه کاهش میابد. حکومت توتالیتر این کاهش توانایی در تامین حجم خشونت را با افزایش شدت خشونت جبران میکند. در زمان کنونی بواسطه نقش رسانه های اجتماعی در آشکارسازی خشونت غیر قابل توجیه حکومت علیه زنان و دختران جوان، و فسادهای اقتصادی و خانوادگی روحانیون و نظامیان، حکومت دچار فروپاشی پایگاه اخلاقی و در نتیجه ریزش طرفداران شده است. این ریزش سبب کاهش بیشتر توانایی جمهوری اسلامی در تامین حجم اعمال خشونت از طرف گروه طرفداران سنتی اش گردیده است.

با یک تقسیم بندی ساده عملگرایانه طرفداران سنتی حکومت را می توان به دو گروه زیر تقسیم کرد. در اینجا استراتژی مناسب جنبش آزادی خواهانه در برابر هر گروه را به اختصار توضیح میدهیم.

۱- بخشهای سنتی و دینی جامعه

استراتژی جامعه مدنی در مورد این گروه بایستی نشان دادن بی اخلاقی ها حکومت، فساد اقتصادی و جنسی وابستگان حکومت و تعرض و خشونت عربان علیه زنان، دختران، کودکان و جوانان باشد که منجر به فاصله گرفتن گروه های اخلاق مدار و دین مداری میشود که بصورت سنتی حامی حکومت بوده اند. و در نتیجه کاهش توان تامین حجم نیروی انسانی برای اعمال خشونت از سوی حکومت میگردد. این یک کنش صحیح اجتماعی است.

۲- نیروی خشونت ورز قابل برگشت بسوی مردم (عمده بدنه نیروها، از جمله ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و بخشی از بسیج)

استراتژی جامعه مدنی در مورد این گروه بایستی معطوف به تشویق بازگشت این گروه به سوی مردم باشد. برخی اقدامات خاص در این مورد عبارتند از:

۱- به چالش کشیدن شرف، وجدان، همدلی، حس وطن دوستی،

۲- عدم تفاوت گذاشتن بین ارتش و سپاه در طرح شعارهای همدلانه

۳- ایجاد فشار عاطفی، اخلاقی و اجتماعی از طریق روابط فامیلی، دوستانه، همسایگی

ضروری است که مردم و جنبش آزادی خواهانه توجه داشته باشد که تهدید به از میان بردن دین یا گروه های دیندار، یا تهدید خانواده های سپاهیان، بسیجیان، روحانیون و نظایر آن منجر به احساس هراس غریزی در میان طرفداران سنتی حکومت و هم جهت شدن ایشان با حکومت شده، و نهایتاً با تامین حجم نیروی انسانی خشونت ورز حکومت منجر به طولانی شدن مبارزه آزادی خواهانه و تداوم سرکوب جامعه مدنی میشود. افتادن به این دام که اغلب از طرف دستهای پیدا و ناپیدای رسانه ای حکومت به آن دامن زده میشود منجر به افزایش شدید هزینه مالی و جانی جامعه برای کسب آزادی میگردد. این یک کنش غلط اجتماعی است.

روشهای مبارزه خشونت پرهیز ناظر بر این موضوع است و میکوشد با نشان دادن برتری اخلاقی جامعه به حکومت توتالیتر، منجر به کاهش حجم طرفداران این حکومتها و در نتیجه کاهش حجم خشونت قابل اعمال از طرف حکومت شود تا نقطه ای که قدرت جامعه بر خشونت حکومت غلبه کند.

با این حال حکومت دارای هسته سختی از پیروان است که برغم شواهد فساد تغییر موضع نمی دهند و حاضر به اعمال خشونت با شدت نامحدود علیه جامعه میباشند. این هسته سخت عمدتاً تشکیل شده است از:

۱. وابستگان خونی و خانوادگی،
۲. وابستگان اقتصادی (نظیر طبقه روحانیون وابسته و سطوح بالای فاسد اداری و اقتصادی) و رانت خواران وابسته
۳. وابستگان امنیتی ای که سابقه پیشین جنایت علیه جامعه داشته اند
۴. جوانان کم سن و کم تجربه بسیجی که در جلسات مذهبی یا مداحی شستشوی ذهنی داده شده اند
۵. مزدوران ایدئولوژیک خارجی (نیروهای شبه نظامی شیعی حقوق بگیر در عراق، سوریه لبنان یا افغانستان)
۶. اراذل و اوباش سازماندهی شده

در اینجا به لحاظ اهمیت استراتژیک تفکیک نقش هسته سخت با قدری تغییر در فرمول نقش هسته سخت را بصورت مجزا نشان میدهم:

$$\text{ظرفیت خشونت حکومت} = (\text{شدت خشونت طرفداران} * \text{حجم طرفداران} + \text{شدت خشونت هسته سخت} * \text{حجم هسته سخت}) * \text{ظرفیت انتقال}$$

$$\text{Totalitarian Violence} = (Intensity_{1tv} * Volume_{sympath_{tv}} + Intensity_{2tv} * Volume_{Hardcore_{tv}}) * Delivery_{tv} \quad (5)$$

همزمان که بدلیل ریزش نیروهای سنتی ظرفیت اعمال خشونت حکومت کاهش میابد، حکومت به افزایش شدت خشونت از طریق هسته سخت نیروهای خشونت ورز متکی میشود تا تعادل قدرت خود را در برابر جامعه حفظ کند. مواردی نظیر حضور مزدوران خارجی و شلیک مستقیم به مردم در کنار دستگیری های گسترده و تشدید تهدید کلامی قضائی از این دست است. با این حال در روی آوردن حکومت به افزایش شدت خشونت از طریق هسته سخت، فرصتهای زیر برای جامعه مدنی وجود دارد:

- ۱- از میان بردن توان هسته سخت خشونت ورز حکومت منجر به سرعت گرفتن و وسعت یافتن جنبش آزادی خواهانه میگردد.
- ۲- افشای خشونت و رفتار غیر اخلاقی هسته سخت خشونت ورز حکومت منجر به ریزش پایگاه اخلاقی حکومت و تشدید ریزش نیروی سنتی طرفدار حکومت می گردد.
- ۳- نیروهای هسته سخت خشونت ورز حکومت نقاط ضعف مشخصی دارند که قابل بهره برداری از طرف جامعه است:
 - a. سطح پایینتر هوش و عملکرد که منجر به تصمیم ها و روشهای ابلهانه و نتایج فاجعه بار میشوند
 - b. بصورت عموم بدلیل نقص در سازماندهی، انضباط و آینده نگری واجد توان و کارایی پایینترند
 - c. مستعد اشتباهات بیشتر در استراتژی هستند.
 - d. بدلیل نگاه ایدئولوژیک دچار فقدان شناخت صحیح از سیستمهای اجتماعی و سیاسی هستند
 - e. ترس از شناخته شدن، طرد و مجازات توسط اطرافیان مردم در حال و آینده دارند.

در پاسخ به تشدید خشونت حکومت، اعمال خشونت از سوی جامعه اجتناب ناپذیر است، نظیر آنچه در خیابانها مردم در مقابله با نیروی سرکوب انجام میدهند. با اینحال اعمال خشونت جامعه بایستی تنها معطوف به هسته سخت خشونت ورزان حکومت باشد به صورتی که بصورت موثر منجر به از میان رفتن توان روانی، جسمی و عملیاتی این گروه گردد. ایراد آسیب جسمی و فیزیکی به سرکوبگران خشن و افشای هویت در این مسیر میباشد.

از سوی دیگر حجم و شدت اعمال خشونت از طرف حکومت تنها وقتی کاربرد میابد که بتواند آنرا به نقطه مورد نظر حمل و در آنجا اعمال کند (Delivery). از اینرو از میان بردن سخت افزار و انسداد مسیر انتقال نیروها میتواند بصورت موثر و بسرعت توان اعمال خشونت حکومت را کاهش دهد. موارد زیر برخی از نمونه های موثر در این مورد هستند که قبلا بصورت هوشمندانه و لی محدود توسط جامعه بکار گرفته شده اند. بکارگیری سیستماتیک این روشها به عنوان یک هدف عمومی ضمن کم خطر بودن منجر به کاهش موثر توان انتقال خشونت حکومت میگردد.

۱. از میان بردن ماشینها، موتورها و وسایل سرکوب

۲. انسداد مسیر حرکت نیروهای سرکوب پیاده یا سواره با موانع یا ترافیک

۳. از میان بردن دوربین های مداربسته

بصورت خلاصه بر مبنای فرمول ارائه شده فوق، برنده شدن مردم در مبارزات آزادی خواهانه در گرو کاهش دادن حجم اعمال خشونت و افزایش حجم اعمال قدرت جامعه است. از اینرو استراتژی های زیر برای مبارزه خیابانی مردم قابل توصیه است:

۱. افشای ورشکستگی اخلاقی حکومت

۲. تسهیل بازگشت بدنه نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه و خانواده های ایشان، و همچنین طیف سنتی دیندار و محافظه کار به دامن مردم

۳. مشغول کردن بدنه غیر خشن نیروها (مثل سربازان وظیفه، نیروهای کادر که اقدام به مقابله و آسیب زدن به مردم نمیکند) از طریق تداوم

تظاهرات و حضور خیابانی صلح آمیز، و فرسایش اخلاقی این نیروها از طریق شعارهای مناسب

۴. مقابله شدید و موثر با سرکوبگران خشن (کسانی که شلیک میکنند، گارد ویژه، نیروهای مزدور خارجی) با هدف کاهش توان روانی، فیزیکی و

عملیاتی این گروهها

۵. کاستن از امکان نقل و انتقال خشونت حکومت از طریق از میان بردن سخت افزارها

۶. کاهش اثر اعمال خشونت حکومت از طریق محافظت جانی، مالی و خبری از قربانیان حکومت و خانواده آنها

۷. افزایش حجم اعمال قدرت و مقابله جامعه در تمامی عرصه های ممکن

a. نظیر حضور و اعلام موضع گسترده، مداوم و پراکنده گروه های کوچک تا متوسط در مکانهای عمومی، ادارات، خیابانها، فروشگاهها،

مدارس و دانشگاهها، بنگاههای صنعتی و اقتصادی و اجتماعی در تمام کشور

b. نوآوری در گشودن عرصه های جدید

در نوشتارهای بعدی، به تدوین دقیقتر مدل ریاضی تعادل بین قدرت جامعه و حکومت خواهیم پرداخت، بر استراتژی هایی جهت افزایش ظرفیت و انتقال قدرت جامعه تمرکز خواهیم کرد و مثالهایی از مدلسازی ها و شبیه سازی ها را ارائه خواهیم کرد. همچنین بر اساس یافته های علمی خواهیم کوشید تا تخمین هایی در مورد وضعیت کنونی و شرایط مورد نیاز برای پیروزی جنبش آزادی خواهانه ارائه دهیم.

گروه سپیده صبح

iranazad@tatunota.com

@sepideie_sobh

نام مولف محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.